

پیش قراولان مطبوعات مشروطه

بیژن مومیوند

هفته نامه صوراسرافیل در ۹ خرداد ۱۲۸۶ و در بحبوحه کشاکش های تبریز و تهران برسر متمم قانون اساسی به مدیریت میرزا جهانگیرخان شیرازی و با حمایت مالی میرزا قاسم خان تبریزی فعالیت خود را آغاز کرد. از شماره ۱۵ به بعد علی اکبر دهخدا به عنوان دبیر و نویسنده به آنها پیوست. صوراسرافیل رادیکال تر و خوش زبان تر از نشریات وقت بود و ظرف چند هفته پر طرفدارترین نشریه شد. تیراز آن را بین پنج هزار تا بیست و چهار هزار تخمین زده اند.

صوراسرافیل که در بالای آرم آن آیه «و نفح فی الصور فاذا هم من الاجدات الى ربهم ينسلون» درج می شد و با شعار «حریت، مساوات و اخوت» شروع به کار کرده بود تا سه روز قبل از به توب بستن مجلس منتشر شد. پس از بمباران مجلس، میرزا جهانگیرخان به همراه ملک المتكلمين در باغ شاه به دست مخالفان مشروطه خفه شد، ولی دهخدا و میرزا قاسم خان جان سالم به دربردند. دهخدا به اروپا رفت و در آنجا با مساعدت معاضدالسلطنه پیرنیا و چند تن از آزادیخواهان توانست سه شماره از صوراسرافیل را به همان سبک منتشر سازد.

صوراسرافیل برای نخستین بار توانست فاصله عظیم بین توده های شهری و روشنفکران رادیکال را کم تر کند. دهخدا قبل از آنکه به خاطر تدوین لغت نامه جاودانه شود هنگامی که سوسیالیستی جوان بود در این نشریه مطالب طنزآمیزی تحت عنوان «چرند و پرند» و با نام مستعار «دخو» می نوشت. دهخدا دریافتہ بود که سبک ادبی جدیدی برای انقلاب در افکار لازم است. از زبان محاوره ای روزمره استفاده می کرد و به مثل ها و حکایت های کهن فارسی معنای سیاسی جدیدی می داد و بسیاری از سنت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران را به هجو و نقد می گرفت.

در واکنش به اقدامات مخالفان مشروطه و موانعی که آنان بر سر راه آزادی بیان و سایر آزادی های دموکراتیک ایجاد می کردند صوراسرافیل بر انتقاد خود از علمای ضدمشروطه و سنت های خرافی افزود و به شیوه تمثیلی خاص خود داستان ملاقات خیالی شیطان و جنود مخالف مشروطه را به رشته تحریر درآورد. داستان از این قرار بود که مخالفان مشروطه از وضعیت خود چنان مایوس بودند که دست به دامان شیطان شدند.

صوراسرافیل با بحث درباره این داستان خیالی که فعالیت های روحانیون ضدمشروطه را در ردیف دسیسه چینی با شیطان می دانست، به ذکر وقایع مستندی از سراسر کشور پرداخت که همین قشر در آن دخیل بودند و به دلیل حمله هایش به روحانیون مخالف مشروطه موقتاً توسط حکومت تعطیل شد، اما در اولین شماره بعد از تعطیلی انتقاد بی سابقه ای از شیخ فضل الله نوری به قلم یک زن ناشناس را به چاپ رساند.

این زن از خوانندگان خواسته بود که قدرت علمای مستبد را دست کم نگیرند و خیال نکنند که کل ملت بیدار شده است. سرمقاله همین شماره خواستار آزادی بیشتر اندیشه شده بود.

در این مقاله تنها مرز آزادی به خطر نیفتادن آزادی دیگران معرفی شده بود و به کهنه پرستان هشدار داده بود که خواسته های تازه مردم اراضی مقدسه آنها را فراگرفته و خرافات مندرس شان را از روی زمین خواهد شست.

سرمقاله مذکور علمای تهران را به خشم آورد و باز هم به طور موقت نشریه تعطیل شد. به گفته دهخدا گروهی متشكل از پنجاه طلبیه به دفتر نشریه حمله کرده و نویسندگان صوراسرافیل را مهدورالدم دانستند. با وجود این مخالفت ها با پادرمیانی نمایندگان ترقی خواه مجلس و انجمن های مختلف انتشار صوراسرافیل در اواسط آبان ۱۲۸۶ از سر گرفته شد.

علاوه بر مباحث سیاسی یکی دیگر از موضوعات مورد علاقه صوراسرافیل مناسبات زن و مرد و ساختار فرهنگی جامعه بود. دهخدا از روابط خانوادگی سخن می گفت و ماهیت استثماری و شیوه های کنترل پدران، شوهران و روحانیون بر زنان را هجو می کرد و از مهجویت زنان، ازدواج های مصلحتی بدون عشق و علاقه، ازدواج کودکان و تعدد زوجات انتقاد می کرد.

در یکی از ستون های «چرند و پرنده» نامنی زنان در زندگی را با نامنی کل ملت مقایسه کرد: «زنی بعد از مرگ پدر به مرد مسن تر وکالت ارث خود را داد، اما مرد از وکالت خود سوءاستفاده کرد تا زن را بدون موافقت به عقد خود درآورد. ملت هم با انتخاب وکلای غیرامین، اختیار خود بر امور را از دست می دهد. روزی می رسد که این نمایندگان مجلس و رهبران حکومت دست به یکی کنند و آخرین آثار حریت و منزلت را از عame مردم بربایند.»

WWW.100years.ir